

مسجد جامع فهرج؛ ارزیابی مجدد

دکتر علیرضا انیسی*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۹/۱۷

چکیده

در این نوشتار مسجد جامع فهرج یزد که یکی از آثار با ارزش معماری ایران در قرون اولیه اسلامی است بررسی می‌شود. این بنا که با مقاله مرحوم استاد محمد کریم پیرنیا به جهانیان معرفی گردید به عنوان کهن‌ترین مسجد ایران لقب گرفت. این تاریخ‌گذاری بعدها از سوی سایر محققین غربی مورد تردید قرار گرفت ولی متأسفانه این تاریخ توسط پژوهشگران داخلی به عنوان مبنا در بررسی معماری این دوره مورد استناد قرار می‌گیرد. این پژوهش با بهره‌گیری از کلیه منابع منتشرشده، انجام مطالعات تطبیقی و نیز بررسی میدانی، به ارزیابی مجدد این بنا می‌پردازد و تاریخ ساخت این مسجد را به قرن سوم هجری (نهم میلادی) نسبت می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد وجود ویژگی‌های برخی از خصوصیات معماری ساسانی نمی‌تواند به تنهایی دلیلی برای ساخت آن در قرن اول و یا دوم هجری باشد.

واژه‌های کلیدی

مسجد جامع، قرون اولیه اسلامی، معماری، فهرج

E-mail: anisi61@yahoo.co.uk

* استادیار و پژوهشگر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

مقدمه

این مسجد به عنوان بازمانده‌ای از قرن اول هجری (هفتم میلادی) شهرت یافته است.

پس از ایشان محققین دیگری نیز به بررسی این اثر پرداختند و هر یک تاریخ متفاوتی را به غیر از قرن اول هجری برای ساخت آن ارائه نمودند. مهرداد شکوهی قرن دوم (Shokoohy, 1978, 74)، زیپولی و آلفیری قرن چهارم (Zipoli et al., 1977, 76)، و باربارا فینستر اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری قمری (Finster, 1994, 189) را به عنوان تاریخ ساخت بنا پیشنهاد می‌دهند.

این مقاله قصد دارد تا پس از توصیف تفصیلی بنا، با استفاده از منابع مکتوب، تحلیل ویژگی‌های کالبدی و مطالعات تطبیقی سعی گردیده تا به تدقیق تاریخ برپایی آن بپردازد. بخش اعظم این اطلاعات از طریق مشاهدات میدانی مولف و نیز بهره‌گیری از بررسی‌های سودمند سایر محققین که در گذشته این اثر را مورد بررسی قرار دادند، فراهم گردیده که به آنها اشاره خواهد شد.

توصیف بنا

مسجد جامع فهرج در روستایی به همین نام در جنوب شرقی شهر یزد و در مسیر بافق قرار دارد. این بنا در بخش قدیمی روستا و در سمت جنوب شرقی فضای مربع شکل کوچکی که به "حسینیه" معروف می‌باشد، قرار گرفته است.

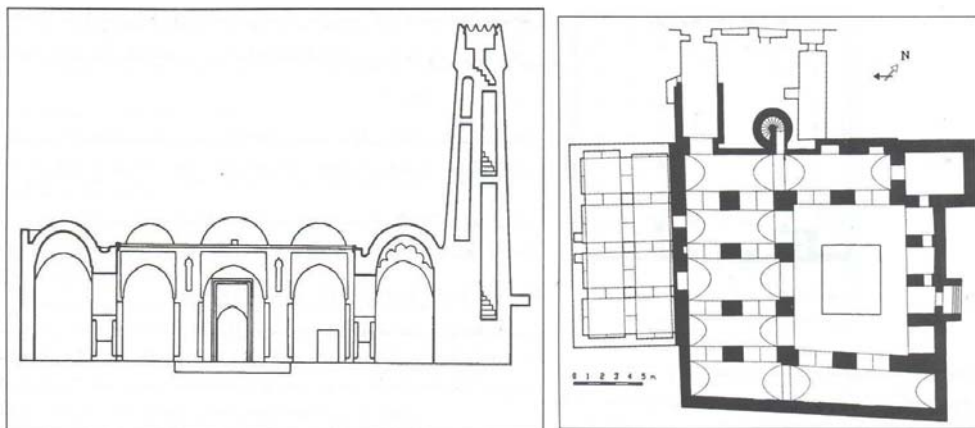
طرح کلی مسجد از یک شبستان و رواقی به دور یک حیاط مرکزی تشکیل شده است (شکل ۱). عمق این شبستان دو دهانه (فرش‌انداز) و عمق رواق آن یک دهانه می‌باشد. بر فراز هر دهانه شبستان یک قوس کم خیز تیزه دار، که پاکار آن از سطح جزوهای دو طرف اندکی پیش نشسته، وجود دارد. عرض دهانه میانی شبستان، مانند نمونه مشابه اش در مسجد تاری خانه دامغان (اواخر قرن ۲ ق/ ۸ م) کمی پهن تر از دو دهانه مجاورش می‌باشد (انیسی، ۱۳۸۵، ۱۳۸۰). این بزرگی دهانه میانی در سمت قبله که بر محراب تا کید می‌کند از جمله ویژگی‌های معماری مساجد ایرانی در این دوران است.

بررسی تاریخ معماری در قرون نخستین اسلامی، به ویژه قرون اول تا پنجم هجری، به منظور شناخت ریشه‌های معماری اسلامی در ایران، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اما این بررسی در مقایسه با سایر دوره‌های اسلامی به دلیل محدودیت آثار برجای مانده، کمی کاوش‌های باستان‌شناسی و نیز کمبود منابع مکتوب دشوار می‌باشد.

از نظر تاریخی، قرون اولیه اسلامی به "دوره انتقال" معروف گردیده است (محمدی مدیری، ۱۳۶۳، ۶). مراد از انتقال، جایجایی قدرت سیاسی و نظامی دولت ساسانی در مدت کوتاهی به حکومت خلفا نیست، بلکه انتقال فرهنگ و تمدن ملت ایران است که از دورانی با ویژگی‌های خاص خود به دوره دیگری صورت پذیرفت (همان). در چنین شرایطی هنر نیز به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه در مرحله انتقالی خود قرار گرفت و مضامین هنری با الهام و یا حتی با به کارگیری مستقیم عناصر پیش از اسلام در اشکال نوینی که متناسب با شرایط جدید بود، ظاهر شدند. در معماری نیز علیرغم پیدایش بناهایی با کارکردهای جدید مانند مسجد و آرامگاه، عناصر معماری و سنت‌های ساخت و ساز پیشین، به ویژه در قالب شیوه‌های محلی استمرار یافتند.

مسجد به عنوان محل برگزاری نماز و انجام سایر عبادات، مهمترین بنای دوره اسلامی می‌باشد و مطالعه آن برای شناخت تحولات معماری هر دوره بسیار راهگشا است. با توجه به ضرورت برپایی مسجد معماران این دوره سعی نمودند تا در یک مسیر منطقی، با الگوبرداری از بناهای شاخص یعنی مساجد عمده عباسی - که در غرب جهان اسلامی احداث گردیده بودند - و با به کارگیری سنن معماری ایرانی، هویتی بومی را در ساخت مساجد به نمایش بگذارند. در میان مساجد باقیمانده از قرون اولیه اسلام، دو مسجد تاریخانه در دامغان و فهرج در نزدیکی شهر یزد کاملاً شناخته شده‌اند، که بررسی بنای دومی موضوع این مقاله است.

مسجد فهرج با انتشار مقاله استاد محمد کریم پیرنیا به سال ۱۳۴۹، (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۱۳-۲) برای نخستین بار به محققین و علاقمندان معرفی گردید. مرحوم پیرنیا تاریخ احداث این مسجد را با توجه به وجود برخی آرایه‌های تزئینی و نیز اصالت عناصر معماری‌اش به قرون اولیه اسلامی منسوب می‌دارد و آن را احتمالاً کهن‌ترین مسجد ایران می‌داند. هرچند که وی در مورد تاریخ دقیق ساخت بنا اظهار نظری نکرده ولی عموماً



مأخذ: پیرنیا ۱۳۸۰، ۱۳۸

شکل ۱- پلان و برش بنا



مأخذ: نگارنده

شکل ۳- محراب مسجد

یک محراب گچی کوچک الحاقی نیز در سمت غربی محراب اصلی و در فاصله کمی از آن قرار دارد. پنجره ای مستطیل شکل در درون یک قاب تزئینی چند پرّه، مقابل محراب بر روی اسپر زیر طاق وجود دارد. شکل این قاب را دقیقاً می توان در بقایای مسجد بزرگ المتوکل (۳۲- ۲۳۴ ق/۵۲- ۱۴۸ م) در سامرا مشاهده نمود (Creswell, 1979).

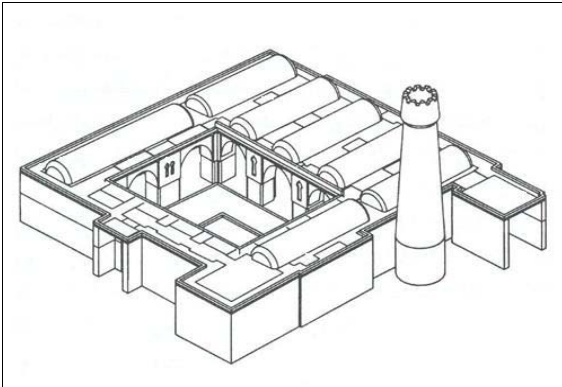
نمای شبستان در داخل حیاط شامل سه قوس تیزه دار می باشد که دهانه میانی از دو دهانه مجاورش عریض تر است (شکل ۵). در مقابل شبستان یک رواق چهار دهانه که با طاق های گنبدی شکل پوشیده شده است، قرار دارد (شکل ۶). این چهار دهانه از نظر تعداد و شکل با ضلع مقابل، یعنی سه دهانه شبستان متقارن نمی باشد. به نظر می رسد که این عدم تقارن غیر معمول ناشی از یک الزام معماری در طراحی مسجد بوده است.

شبستان مسجد واجد ستون های مستطیل شکلی است که در هر گوشه آنها، ستونک های توکار گرد تزئینی دیده می شود (شکل ۲). این جزئیات پیشرفته اجرائی ستون های این مسجد را از ستون های ساده مساجد قرون اول و دوم هجری متمایز می سازد. این گونه ستون ها در سایر مساجد جهان اسلام مانند مسجد احمد ابن طولون (۶۵-۲۶۳ ق/۷۹- ۱۷۶ م)، (Creswell, 1979, 10) و مسجد حکیم (۳۰۳- ۳۸۰ ق/۱۰۱۶- ۹۹۳)، (Creswell, 1978) هر دو در قاهره - مشاهده می شوند. نمونه دیگر این ستون ها نیز اخیراً در مسجد جامع میبد (نیک زاد، ۱۳۸۵، ۱۲۵) و مسجد کوشک فردوس در خراسان یافت شده است (Anisi, 2007, 236). محراب گچی مسجد در انتهای دهانه میانی شبستان، بر روی دیوار قبله قرار دارد و عرضش ۲/۳۲ متر و ارتفاعش ۳/۲۴ متر می باشد (شکل ۳).



مأخذ: نگارنده

شکل ۲- ستونک های توکار تزئینی



مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۰، ۱۳۹

شکل ۷- تصویر سه بعدی مسجد



مأخذ: نگارنده

شکل ۵- نمای شبستان



مأخذ: نگارنده

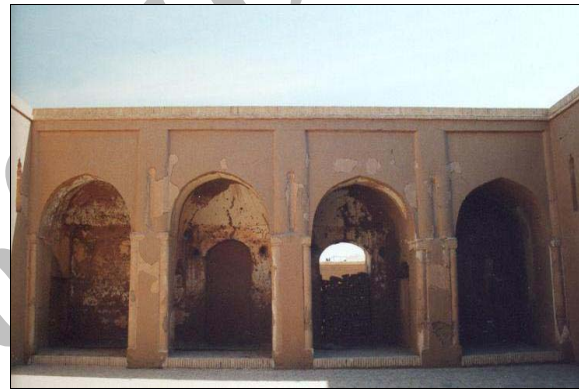
شکل ۸- مناره خشتی مسجد

ورودی فعلی مسجد در سمت جنوب غربی بنا و دو در ورودی دیگر که یکی باز و دیگری مسدود است، در سمت شرقی مسجد قرار دارند (شکل ۹). شبستان مسجد و هردو سمت شرقی و غربی آن که در امتداد رواق می‌باشند، بوسیله طاق‌های گهواره‌ای پوشیده شده‌اند. رواق شمالی با نیم گنبدهایی که هر یک از آنها دارای گوشه‌سازی‌های بیضی شکل کوچکی می‌باشند، مسقف گردیده است (شکل ۱۰).



مأخذ: نگارنده

شکل ۹- ورودی مسدود شده مسجد



مأخذ: نگارنده

شکل ۶- نمای مقابل شبستان

همانطور که تصویر سه بعدی بنا نشان داده می‌دهد (شکل ۷)، ارتفاع شبستان به عنوان مهمترین بخش مسجد از سایر بخش‌های آن بیشتر است. از طرفی حیاط مسجد کاملاً مربع نیست و بخش شمالی اندکی از بخش جنوبی پهن‌تر می‌باشد، بنابراین به منظور پوشش این قسمت عریض‌تر که باید در طراحی ارتفاعش کمتر از شبستان نیز باشد، احداث چهار دهانه رواق ضروری بوده است.

در سمت شمال غربی بنا، مناره استوانه‌ای شکل به همراه تعدادی اطاق در کنار آن مشاهده می‌شوند (شکل ۷). این مناره که از آجرهای خشتی ساخته شده دارای پلکانی مارپیچ و ورودی آن به داخل رواق باز می‌شود. به نظر می‌رسد که این مناره، مناره‌ای مستقل نبوده و بعدها به مسجد اضافه گردیده است هر چند که هنوز دلیل متقنی در مورد تاریخ ساختش وجود ندارد (شکل ۸). مرحوم پیرنیا تاریخ ساخت این مناره الحاقی را که قرن ۴ق/۱۰م و یا قرن ۵ق/۱۱م ذکر می‌کند (پیرنیا، ۱۳۴۹، ۳) و مهرداد شکوهی نیز ساخت آن را قبل از قرن ۴ق/۱۰م نمی‌داند (Shookaohg, 1978, 73). اطاق‌های مجاور مناره نیز احتمالاً بر روی پی‌ها اطاق‌های قدیمی‌تر بازسازی شده‌اند، اما عملکرد اولیه آنها مشخص نیست.



شکل ۱۲- طرح تزئینی بالای محراب مأخذ: نگارنده

قوس‌های چند پرّه در بقایای آثاری مانند طاق کسری، سردر مسجد جورجیر اصفهان (قرن ۴ ق / ۱۰ م) (ماهر/نفس، ۱۳۷۶، ۶۴) و مسجد جامع قدیم مهرآباد ابرکوه (قرن ۶ ق / ۱۲ م) (افشار، ۱۳۷۴، ۶۱۴، ۳۶۵) و در نمای ورودی مجموعه اخیدر (قرن ۲ ق / ۸ م) (Creswell, 1979, 76) در عراق دیده می‌شوند.

طرح پلکانی دارای الگویی ایرانی است که در بناهای پیش از اسلام (مانند تخت جمشید) به عنوان تزئین بیرونی بنا مورد استفاده قرار می‌گرفت. به نظر می‌رسد که این طرح بعدها در تعدادی از بناهای اسلامی مانند خرابات المفجر (قرن ۲ ق / ۸ م) (Ibid, 65) و اخیدر (Creswell, 1978) و همچنین در نمای بیرونی در سمت شمال غربی مسجد حکیم (Creswell, 1979) در قاهره تقلید گردیده‌اند.

دو قوس چند پرّه پشت بسته (یا کور) با راسی تیزه دار در نمای شبستان در داخل حیاط دیده می‌شوند (شکل ۱۳). این طرح همچنین در نمای مسجد احمدابن طولون (Creswell, 1978) و در گوشه سازی گنبد مسجد جامع قدیم مهرآباد ابرکوه قابل مشاهده است. سه جفت قوس جناغی پشت بسته در هر دو نمای شرقی و غربی رواق حیاط مسجد وجود دارند (شکل ۱۴). طرحی مشابه با آنها نیز در قسمت، عقب نشسته ورودی مسجد جورجیر اصفهان یافت می‌شود.



شکل ۱۳- قوس تزئینی چند پرّه پشت بسته مأخذ: نگارنده



شکل ۱۰- گوشه‌سازی بیضوی شکل مأخذ: نگارنده

بقایای یک شبستان مستطیل شکل که احتمالاً به عنوان شبستان زمستانی مورد استفاده قرار می‌گرفت در سمت جنوب غربی مسجد وجود دارد. ابعاد خشت‌های این شبستان، قرارگیری آن در خارج از محدوده مسجد اولیه و شیوه متفاوت پوشش آن از شبستان اصلی مسجد، نشانگر الحاقی بودن آن است. تاریخ احداث این شبستان روشن نیست ولی با توجه به همسانی اندازه آجرهای خشتی این شبستان و مناره مسجد، احتمالاً هر دو در یک زمان به مسجد الحاق گردیده‌اند (Ibid).

نکته قابل توجه استفاده از الگوی رایج عربی مسجد در آن دوره در طراحی این بنا است، ولی طاق‌های گهواره‌ای، ابعاد بزرگ آجرهای خشتی و گوشه‌سازی‌های بیضی شکل، نشانگر تداوم روش‌های ساخت معماری ساسانی در قرون اولیه اسلامی می‌باشد. سه طرح گچبری که از نظر اجرا دارای سبک مشابه‌ای می‌باشند در مسجد دیده می‌شوند:

یک قوس چند پرّه در بالای محراب و طرحی مشابه که در زیر طاق بر روی دیوار جنوبی شبستان، طرح پله‌ای شکل بر روی دیوار انتهایی رواق در سمت شمال غربی بنا (شکل ۱۱) و طرحی به شکل تابش نور بر روی سطح بیرونی قوس جناغی محراب کوچک (شکل ۱۲).



شکل ۱۱- طرح پلکانی تزئینی مأخذ: نگارنده

آلفیری محقق ایتالیایی در مقاله اش، تصویر و جزئیات بقایای یک نقش تزئینی مدور (مدالیون) به قطر ۲۱ سانتیمتر، که زمانی در ارتفاع ۱/۶۵ متر از سطح زمین، بر روی دیوار قبله وجود داشت، منتشر ساخت (Zipoli et al., 1979, 73). این طرح بر روی گچ نقاشی شده و شامل شش دایره قرمز متداخل بود. با توجه به وجود سایر تزئینات رنگی مانند درهای گچبری شده قرمز رنگ، احتمالاً همه آنها در یک زمان به همراه بنا و یا زمانی نزدیک به تاریخ ساخت آن به وجود آمده‌اند. متأسفانه روشن نیست که چرا سایر محققین قبلی مانند پیر نیا و شکوهی به این نقش تزئینی که می‌تواند اطلاعات سودمندی را در زمینه تزئینات رنگی اولیه فراهم نماید اشاره ای نکردند و اهمیت آن را نادیده گرفتند.

نکته مهم این است که تا قبل از کشف این تزئینات، تاریخ پیدایش نقاشی روی گچ در بناهای قرون اولیه اسلامی، نیمه دوم قرن ۴ق/۱۰م فرض می‌گردید. نمونه‌های شاخص نقاشی روی گچ را در این دوره می‌توان در مسجد جامع نائین (نیمه دوم قرن ۴ق/۱۰م)، در برج مقبره پیر علمدار (۴۱۷ ق/۱۰۲۷ م) در دامغان و قبه دوازده امام (۴۲۹ ق/۱۰۳۸ م) در یزد مشاهده کرد.

قدیمی‌ترین کتیبه برج‌مانده در یک مسجد ایرانی، کتیبه کوفی مسجد بیلقان در منطقه قفقاز با تاریخ ۳۰۸ق/۲۱-۹۲۰م می‌باشد (Blair, 1994, 22). با توجه به اینکه علیرغم وجود تزئینات مختلف در داخل مسجد فهرج هیچگونه آثاری از وجود کتیبه در آن مشاهده نمی‌شود، می‌توان ادعا کرد که مسجد فهرج قبل از متداول شدن ساخت کتیبه در مساجد اولیه ایران - یعنی قبل از قرن ۴ق/۱۰م - احداث شده باشد.

بنا از آجرهای خشتی به ابعاد متوسط ۵ x ۳۲ x ۳۲ سانتیمتر و با ملات گل ساخته شده است. استفاده از آجر خشتی در ابعاد بزرگ، مشابه فهرج، در در اینه قرون اولیه اسلامی متداول بود. این ابعاد را می‌توان در آثار موجود، مانند پیر حمزه سبز پوش در ابرقو (نیمه اول قرن ۵ق/۱۱م)، مسجد جامع نائین، قلعه رموک در شهرداد کرمان (قرن ۳ ق/۹م) و کوشک رحیم آباد در بم (قرن ۴ق/۱۰م) پیدا نمود (Anisi, 2007, 171, 201, 244, 329).

بطور کلی متون تاریخی، پژوهش‌های باستان‌شناسی و ویژگی‌های کالبدی بنا سه منبع اصلی کسب اطلاعات و تاریخ‌گذاری یک اثر از قرون اولیه اسلامی است. اگر چه نقش و میزان تاثیر آنها یکسان نیست ولی بهره‌گیری از همه داده‌ها ضرورت دارد.

متون تاریخی مانند فتوح البلدان (قرن ۳ق/۹م)، تاریخ طبری (قرن ۴ق/۱۰م) و امثالهم با فاصله زمانی نسبتاً طولانی از حوادث قرن اول هجری به تحریر در آمدند. این عدم همزمانی فقط اطلاعات کلی را بدون هیچ نوع جزئیات در مورد رخ دادهای معماری در اختیار ما قرار می‌دهد. بطور مثال وقتی سپاه اسلام تیسفون پایتخت چهارصد ساله ساسانیان را در سال ۱۶ق/۶۳۷م فتح نمود، به دستور سعدابن ابی وقاص فرمانده سپاه اسلام، مسجدی در ارگ تیسفون به شکرانه این



شکل ۱۴- جفت قوس تزئینی مأخذ: نگارنده

در قسمت شمالی حیاط نیز، سه طرح به شکل شیارهای عمودی با قوس تیزه داری در بالای هر یک، در نمای رواق دیده می‌شوند (شکل ۱۵). سه طرح تزئینی به شکل در ورودی که هر یک از آنها ۱/۷۹ متر پهنا و ۲/۴۸ متر ارتفاع دارند در قسمت شرقی بنا، زیر رواق قرار دارند. این درها به سختی آسیب دیده‌اند ولی بقایای گچبری قرمز رنگ بر روی یکی از مشهود است (شکل ۱۶).



شکل ۱۵- طرح تزئینی شیاری شکل مأخذ: نگارنده



شکل ۱۶- نمای یک در تزئینی مأخذ: نگارنده

رسیدند و فهرجیان به ایشان شبیخون زدند و آنها را کشتند. معروفترین این شهداء خواهرزاده امام علی(ع) می باشد (جعفری، ۱۳۳۸، ۱۴). گفتنی است که در حال حاضر در نزدیکی روستای فهرج مجموعه مقابری قرار دارند که به نام شهدای فهرج معروف و اکنون زیارتگاه مردم است.^۱

وی در ادامه می‌افزاید: "چون زمان عثمان شد لشگری با سعید پسر خود ومیشم ابن عباس بطرف نیشابور فرستاد و جزیه مقرر کردند و باز گردیدند به یزد آمدند. اهل آن دیار به اسلام آمدند و لشگر به جانب فهرج بردند و قتل زیاد کردند و قوم تازیان و بنی تمیم در یزد مقیم شدند و تمام مجوسان ولایت یزد جزیه قبول کردند و لشگر اسلام با سعید و میثم ابن عباس تا سمرقند رفتند (جعفری، ۱۳۳۸، ۱۵)."

پذیرش اسلام از سوی مردم نه یکباره با فتح ایران بلکه به تدریج رخ داد. این روند در همه جا و برای همه افراد یکسان نبود و برخی زودتر و عده‌ای دیرتر حتی با فاصله چند قرن به دین جدید گرویدند. این امر نیز بستگی به میزان و کیفیت آشنایی مردم با اسلام، آمادگی جامعه و شرایط اجتماعی داشت. مثلاً اهالی کرمان در دوران اموی همچنان به کیش سابق خود باقی ماندند و یا مردم طبرستان به تدریج و پس از چند قرن اسلام را پذیرفتند (محمدی ملایری، ۱۳۶۶-۱۳۶۷). از این رو پذیرش تدریجی اسلام در مناطقی مانند یزد که از دیرباز جزو پایگاه‌های اصلی سکونت زرتشتیان در ایران بوده، قابل توجه است.

همانطور که جعفری می‌نویسد در دوره خلافت عثمان اهالی فهرج قتل عام شدند و مجوسان ولایت یزد نیز جزیه قبول کردند. این روایت نشانگر آن است که اکثریت مردم فهرج کماکان کیش سابق خود را حفظ نمودند و بنابراین احداث مسجد جامعی در فهرج آن هم با چنین تزئیناتی در قرن اول هجری بعید به نظر می‌رسد.

مؤلف ناشناس *حدود العالم* (۳۷۲ ق/ ۹۸۲ م) (*حدود العالم*، ۱۳۶۲، ۱۳۶)، مقدسی در کتاب *احسن التقاسیم* (۳۷۵ ق/ ۹۸۵ م) (*مقدسی*، ۱۳۶۱، ۶۳۴)، استخری در *المسالک و الممالک* (۳۴۰ ق/ ۹۵۱ م) (*استخری*، ۱۳۴۷، ۱۱۷)، *ابن حوقل در صوره الارض* (۳۶۷ ق/ ۹۷۷ م) (*ابن حوقل*، ۱۳۴۵، ۳۶) و *ابن بلخی در فارسنامه* (قرن ۶ ق/ ۱۲ م) (*ابن بلخی*، ۱۳۶۳، ۶۳)، از فهرج نام می‌برند. استخری همچنین بر وجود یک مسجد در این مکان تصریح می‌نماید. ذکر نام فهرج در این منابع مهم جغرافیایی بیانگر اهمیت این مکان در خلال قرون چهارم تا ششم هجری قمری می‌باشد.

بکارگیری تزئینات مختلف در مسجد فهرج، نشان می‌دهد که سازنده قصد داشته تا در حد امکان اثری برجسته و پر شکوه به وجود آورد. این تزئینات به ویژه گچبری‌ها که پس از لایه برداری اندود کاهگل بنا ظاهر گردیدند، دارای اصالت می‌باشند. همچنین با توجه به خشتی بودن دیوارهای حیاط، به نظر می‌رسد که قوس‌های تزئینی موجود همزمان با ساخت آنها اجرا گردیده و الحاقی نیستند. بنابراین تزئینات موجود به همراه ویژگی‌های معماری، معیارهای قابل قبولی برای تاریخ گذاری بنا می‌باشند.

پیروزی ساخته شد (Zarinkoub, 1975, 13). متأسفانه هیچ‌گونه جزئیاتی از این بنا که می‌توان آن را اولین مسجدی دانست که در خاک ایران بر پا گردید در متون درج نشده و اثری از آن نیز برجا نمانده است.

به همین ترتیب ابعاد و جزئیات ساخت مساجد اولیه یا در سایر شهرهای مفتوحه ایران مانند نیشابور، مرو، بخارا روشن نیست. به نظر می‌رسد که ساخت مسجد با توجه به هدف اصلی سپاه اعراب در فتح سریع سرزمین‌های جدید، صرفاً برای برگزاری نماز و بیان نمادین حضور اسلام در این مناطق بود. این مساجد احتمالاً دارای طرحی ساده و با اقتباس از نمونه اولیه آن یعنی مسجد (یا خانه) پیامبر بر پا شدند. از این رو ساخت مسجدی با جزئیات دقیق اجرایی و بهره‌مندی از آرایه‌های تزئینی متنوع، مانند مسجد جامع فهرج در قرن اول هجری بسیار بعید است.

نکته مهم این است که اصولاً ساخت مساجد جامع (مساجد واجد محراب و منبر) از نیمه دوم قرن ۱۰ ق/ ۱۰ به دستور خلفای عباسی در ایران آغاز گردید (Godard, 1934, 225). به عنوان نمونه مسجد تازی خانه که قدیمی‌ترین مسجد موجود در ایران می‌باشد، محصول چنین تصمیمی است.

منابع جغرافیایی نیز عمدتاً به بررسی جغرافیای عمومی مناطق، ذکر نام شهرها و فواصل بین آنها می‌پردازند. قدیمی‌ترین منبع جغرافیایی کتاب *مسالک و الممالک* نوشته ابن خردادبه (قرن ۳ ق/ ۹ م) می‌باشد. در میان کتب جغرافیایی به ترتیب مقدسی در کتاب *احسن التقاسیم* (۳۷۵ ق/ ۹۸۵ م) و استخری در *المسالک و الممالک* (۳۴۰ ق/ ۹۵۱ م) بیشترین اطلاعات را در مورد بناها، اما به صورت مختصر ذکر می‌کنند. پژوهش‌های باستان‌شناسی - مشخصاً گمانه‌زنی و حفاری - اطلاعات لازم را در مورد لایه‌های زیرین و ترتیب و توالی ساخت آنها در اختیار می‌گذارند. همچنین این پژوهش‌ها از طریق کشف سکه، سفال، گچبری و امثالهم می‌توانند آگاهی ما را از گذشته بنا افزایش دهند. متأسفانه علیرغم اهمیت مسجد جامع فهرج هیچ‌گونه گزارش باستان‌شناسی در مورد آن موجود نیست. اگر چه انجام چنین پژوهشی در این مسجد بسیار سودمند می‌باشد ولی ممکن است نتواند اطلاعات لازم را برای تدقیق تاریخ ساخت بنا فراهم کند.

اما منبع سوم یعنی ویژگی‌های کالبدی - طرح و جزئیات معماری، ویژگی‌های سازه‌ای، تزئینات و غیره - صادق‌ترین عامل در تشخیص دوره‌های تاریخی بنا می‌باشد. هر چند که ممکن است که بعضی از عناصر الحاقی باشند ولی تحلیل تمامی ویژگی‌های به همراه مقایسه تطبیقی آنها با سایر آثار هم دوره، جواب قابل قبول‌تری را در مورد زمان ساخت بنا به دست می‌دهد.

جعفری در کتاب *تاریخ یزد* تصریح می‌کند که در هنگام فتح ایران در زمان خلافت عمر، بخشی از سپاه اسلام در حال مراجعت از خراسان راه خود را در بیابان گم کردند. تعدادی از آنها به زحمت به قصبه فهرج

(۶۵-۲۶۳ ق/ ۷۹-۸۷۶ م) و حکیم (۴۰۳-۳۸۰ ق/ ۱۰۱۶-۹۹۳ م) در قاهره مشاهده نمود.

هر چند که فاصله جغرافیایی میان مقصد و مبداء برای انتقال این ویژگی‌ها وجود دارد ولی با توجه به یکپارچگی وحدت هنری موجود در قلمرو عباسیان - که دوران اوجش قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری بود - تقلید و استفاده از اشکال مشابه تزئینی در نقاط مختلف عادی و متداول بود (Etinghausen et al., 1987, 75). بنابراین پیدایش این آرایه‌ها در مسجد فهرج، مانند حضور گچبری سبک سامرا در مسجد جامع نائین، دور از انتظار نمی‌باشد.

اگرچه شکل قوس‌های تیزه دار و ابعاد آجرهای خشتی در فهرج مشابه همین ویژگی‌ها در مسجد تازی خانه دامغان می‌باشند ولی در شبستان مسجد جامع فهرج، قوس‌های تیزه دار به جای قوس‌های بیضی شکل دامغان بکار رفته‌اند و علیرغم کوچکی دهانه‌ها و ارتفاع کمتر، ستون‌های ضخیم تری در فهرج به جای ستون‌های مدور تازی خانه، بکار گرفته شده‌اند. بکارگیری چنین ستون‌های بزرگی در دهانه‌های کوچک نشان می‌دهد که احتمالاً فکر به کارگیری این ستون‌ها به عنوان الگویی رایج، از بنای دیگری اقتباس گردیده است. شبیه‌ترین نمونه این ستون‌ها را می‌توان در مساجد احمدابن طولون

نتیجه‌گیری

بررسی مسجد جامع فهرج نشان می‌دهد علیرغم استفاده از طرح متداول شبستان ستوندار (یا پلان عربی)، شیوه ساخت بنا که بخشی از آن ناشی از تداوم سنت معماری ساسانی و بخش دیگرش مرهون خلاقیت معمارانه بود ویژگی‌هایی مشابه‌ای با سایر بناهای شاخص این دوران مانند مساجد تازی خانه و نائین دارد. این قرابت حاکی از آن است که معماران این دوره آگاهانه کوشیدند تا با حفظ طرح کلی پلان مسجد، از طریق استفاده مستمر از عناصر معماری گذشته و تکیه بر شیوه‌های گوناگون محلی، هویتی مستقل برای معماری مسجد خلق نمایند. این نوع‌آوری مشخصه اصلی دوره انتقال معماری ایران در قرون اولیه اسلامی است که پس از تلاشی هوشمندانه منجر به پیدایش سبک ایرانی مسجد در دوره سلجوقی شد.

این مطالعه نشان می‌دهد که وجود ویژگی‌های برخی از خصوصیات معماری ساسانی در مسجد جامع فهرج - که در قرون اولیه اسلامی در ایران متداول بود - نمی‌تواند به تنهایی دلیلی برای ساخت آن در قرن اول یا دوم هجری باشد. اما وجود تزئینات و جزئیات اصیل معماری به ویژه مقایسه تطبیقی آنها با سایر مساجد اولیه در جهان اسلام این نظریه را بیشتر تقویت می‌کند که این مسجد در قرن ۳ ق/ ۹ - و به احتمال زیاد در نیمه دوم این قرن - در فهرج ساخته شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای جدیدترین بررسی در مورد مجموعه شهداد در فهرج یزد نک: امیرلو، عنایت الله (۱۳۷۴)، "مجموعه شهدای فهرج"، مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران، ۲۵۵-۶۶

فهرست مراجع

- ۵) انیسی، علیرضا، (۱۳۸۵)، «تازی خانه در دامغان»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، تهران.
- ۶) پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۴۹)، «مسجد جامع فهرج»، مجله باستان‌شناسی و هنر، ش ۵.
- ۷) پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۰)، «سبک شناسی معماری ایرانی»، تدوین غلامحسین معماریان، تهران.
- ۸) جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، (۱۳۳۸)، «تاریخ یزد»، (قرن ۹ هجری)، به کوشش ایرج افشار، تهران.
- ۹) «حدود العالم من المشرق الی المغرب»، (۱۳۶۲)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران.
- ۱۰) ماهرالنقش، محمود، (۱۳۷۶)، «معماری مسجد حکیم»، تهران.
- ۱۱) مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم»، بخش دوم، ترجمه علینقی منزوی، تهران.
- ۱۲) محمدی ملابری، محمد، (۱۳۷۲)، «تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی»، ج ۱، تهران.
- ۱۳) نیک‌زاد، ذات‌الله، (۱۳۸۵)، «مجموعه کهن مسجد جامع میبد»، میبد شهری که هست، ج ۱، به کوشش عیسی اسفنجاری کناری، تهران.
- 14) Anisi, A. (2007), "Early Islamic Architecture in Iran (637-1059)", unpublished Ph.D. dissertation, Edinburgh University.
- 15) Blair, S. (1992), "The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana", Leiden.
- 16) Creswell, K.A.C (reper. 1979), "Early Muslim Architecture", 2 vols, Londo
- 17) Creswell, K.A.C (reper. 1978), "The Muslim Architecture of Egypt", 2 vols, London.
- 18) Etinghausen, R., and O. Grabar (1987), "The Art and Architecture of Islam", 650-1250, Yale.
- 19) Finster, B. (1994), "Frühe iranische Moscheen," Berlin.
- 20) Godard, A. (1934), "Le Tari Khana de Damghan", Gazette des Beaux Arts 76, pp.225-235.
- 21) Shokoohy, M. (1978), "Studies in the Early Medieval Architecture of Iran and Afghanistan", unpublished dissertation, Herriot Watt University.
- 22) Zarinkoub, A. (1975), "The Arab Conquest of Iran and its Aftermath", Cambridge History of Iran, From Arab Invasion to the Saljuqs, vol. IV, ed. R. Frye, Cambridge.
- 23) Zipoli, R. and B.M. Alfieri (1977), "La Moschea Ġami' di Fagraġ", Studi Iranici, Rome, pp 41-76.

- ۱) ابن بلخی، (۱۳۶۳)، «فارس نامه»، به کوشش گای لیسترانچ و رینولدان نیکلسون، چاپ دوم، تهران.
- ۲) ابن حوقل، (۱۳۴۵)، «صورة الارض»، ترجمه جعفر شعار، تهران.
- ۳) استخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۴۷)، «مسالك و ممالک»، به کوشش ایرج افشار، تهران.
- ۴) افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، «یادگارهای یزد»، ج ۱، تهران.